

اخوت اسلامی به مثابه سرمایه اجتماعی معنوی در اندیشه امام خمینی علیه السلام

یوسف فتحی*

چکیده

کشف اندیشه و راهکار امام برای حفظ نظام اسلامی و الگوسازی آن، راه حل مسائل جاری و آینده ایران و جهان اسلام خواهد بود. این مقاله تولید سرمایه اجتماعی را پیش فرض تحقق این آرمان دانسته و اخوت اسلامی را به مثابه سرمایه اجتماعی، مکلیسم سلسلی حفظ نظام اسلامی در اندیشه امام ارزیابی می کند. لذا مبانی، اهداف و مکلیسم های تحقق «اخوت اسلامی» را مورد بررسی قرار می دهد. اثر عملی اخوت اسلامی، کاهش فاصله بین دولت ها و ملت های مسلمان و همگرایی مستضعفان خواهد بود. اخوت، هزینه کنش های اجتماعی و سیلسی را به حداقل می رسند و با توجه به احساس تعلق همگانی، هزینه مدیریت را پایین می آورد. در عین حال قدرت بزرگی را در مقابل مطمع و افزون طلبی دولت های غیر اسلامی و جهان استکبار تشکیل می دهد. ایده این مقاله، همسلی اخوت اسلامی با اخوت نسلی است.

واژگان کلیدی

اخوت اسلامی، سرمایه اجتماعی، امام خمینی، جهان اسلام.

fathi@znu.ac.ir

تاریخ پذیرش: 90/9/3

*. استادیار دانشگاه زنجان.

تاریخ دریافت: 90/5/8

مقدمه

اختلافات داخلی بین کشورهای اسلامی و مستضعفان، یکی از مسائل اصلی و نگرانی‌های حضرت امام خمینی است. اختلاف از یکسو، ملع پیشرفت مادی و معنوی می‌شود و از سوی دیگر، هزینه مدیریت جامعه را بالا می‌برد. کارآمدترین راه برای هم‌گرایی و همبستگی در سطوح مختلف و گریز از زبان تفرقه و اختلاف و حفظ کیان جوامع اسلامی و تحقق آرمان‌های مستضعفان «اخوت اسلامی» است که هم‌مدلی، هم‌رأیی و همکاری را پدیدار می‌سازد. در قرآن و روایات اخوت اسلامی از نظر جامعه‌شناسی، مکلیسم اسلسی در برقراری جامعه اسلامی محسوب می‌شود. حسن معاشرت همبستگی و الفت اصلاح میان مؤمنان، برطرف کردن اختلافات و دوستگیری هله تساوی حقوق و عفو و گذشت را از جمله آثار اخوت اسلامی می‌توان برشمرد.

امام خمینی حفظ اسلام را هدف بنیادین می‌داند و می‌فرماید: «بیلد اسلام بملد و قرآن هم بملد. خمینی از بین برود، دیگری هم از بین برود». (امام‌خمینی، 1379: 1 / 275) ایشان مهم‌ترین ابزار حفظ اسلام را نظام جمهوری اسلامی تلقی می‌کند و حفظ آن را از «لعظم فرایض» (همان: 15 / 329) می‌شمارد. حال پرسش اسلسی این است که امام با چه مکلیسمی می‌خوهد نظام اسلامی را حفظ کند؟ این مقاله، اخوت اسلامی را به‌مثابه سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی فرض و تعمیق و گسترش آن را عنصر اسلسی در حفظ جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کند. نویسنده مقاله بر این باور است که کشف اندیشه امام و الگوسازی آن، راه‌حل مسائل جاری و آینده کشورهای اسلامی است. این پژوهش قصد بررسی اخوت اسلامی از منظر سرمایه اجتماعی در اندیشه امام را دارد.

مفهوم سرمایه اجتماعی¹

سرمایه اجتماعی از نظر محتوا، مفهومی قبیمی است که از دهه 1990، در بررسی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیلمی جوامع، در کنار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفت و به‌تدریج در قلمرو تحقیقات اجتماعی و سیلمی، توسعه پیدا کرد. طرح این رویکرد در

1. Social Capital.

بسیاری از مباحث اجتماعی، نشان‌دهنده اهمیت نقش روابط اجتماعی و فرهنگی بر متغیرهای اقتصادی، در تحولات جامعه است. سرمایه اجتماعی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی بنا شده است و شناسایی آن به‌عنوان نوعی سرمایه می‌تواند شناخت جدیدی از نظام اجتماعی ایجاد کند و کارایی نظامها را بهبود بخشد. بهره‌جویی از فرصتها و جلوگیری از تهدیدها نیازمند دانش مدیریت جدید است. در دهه‌های اخیر، سرمایه اجتماعی، توجه دانشمندان علوم انسانی را در مدیریت جوامع و خروج از بحران‌های گوناگون به خود جلب کرده است.

سرمایه اجتماعی، هر منبعی است که به دارنده آن امکان می‌دهد، با اثرگذاری بر محیط، منافع خود را در رقابت با دیگران به دست آورد، به اهداف دستنیافتنی دست یابد و ایده و ارزش‌های خود را به دیگران بقبولاند. سرمایه اجتماعی شبکه امنی را برای افراد، گروه‌ها و جوامع تشکیل می‌دهد. اجتماعاتی که از شبکه‌های اجتماعی ملنی زبانی برخوردار باشند، هنگام مواجهه با مسائل و آسیب‌ها و حل و فصل منازعات و بهره‌مندی از فرصت‌های جدید از موضع محکم‌تری برخوردار خواهند بود. سرمایه اجتماعی نیروی موجود در ساخت و سازمان جامعه است که کم‌وکیف کنش‌های متقابل را سامان می‌دهد. سرمایه اجتماعی نوعی توانایی است که در واحدهای اجتماعی تجسم می‌یابد. (توفکیس، 1387: 132 و 133)

سرمایه اجتماعی «مجموعه منابع واقعی یا مجازی است که به‌واسطه مزیت‌پذیر شبکه‌ها و روابط سازمانی مستحکم و شناخت و آگاهی‌های متقابل به افراد یا گروه‌ها تعلق می‌گیرد؛ شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار کرده و آنان را شایسته اعتبار می‌سازد». (Bourdieu, 1985: 24)

«جیمز کلمن» سرمایه اجتماعی را بخشی از یک ساختار اجتماعی می‌داند که عمل‌کنشگر را در داخل ساختار، آسان می‌کند و به او اجازه می‌دهد با استفاده از آن به منابع دسترسی‌ناپذیر، دست یابد. (کلمن، 1377: 476) افراد و گروه‌هایی که به یکدیگر اعتماد دارند در قیاس با دیگران که فاقد چنین اعتمادی هستند، از قوای همکاری بیشتری با یکدیگر برخوردارند. مهم‌ترین ویژگی سرمایه اجتماعی، نظام تعهدات و انتظارات است. (ازکیا و غفاری، 1383: 278) میزان واقعی تعهدات یعنی انکار نکردن تعهدات؛ و میزان اعتماد موجود در محیط اجتماعی، یعنی اجرای تعهدات در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی نقش حیاتی

دارند. «کلمن» سرمایه اجتماعی را متشکل از هنجارها، اعتماد اجتماعی و روابط اجتماعی می‌داند. از نظر «پاتنام» هر جامعه‌ای از طریق شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات بین افراد را شکل می‌دهد. شبکه‌ها یا افقی و یا عمودی هستند. در شبکه افقی، شهروندان از وضعیت و قدرت برابر برخوردارند. (همان)

«جان فیلد» ایده محوری سرمایه اجتماعی را «شبکه روابط اجتماعی» می‌داند. انسان از طریق شبکه‌ها بهم متصل می‌شود و تمایل دارد ارزش‌های مشترکی با سایر اعضای شبکه‌ها داشته باشد. با گسترش شبکه‌ها نوعی دارایی به دست می‌آید که سرمایه اجتماعی نامیده می‌شود. در مجموع هرچه افراد بیشتری بشناسید و هرچه دید مشترک بیشتری با آنها داشته باشید، سرمایه اجتماعی غنی‌تری خواهید داشت. (Field, 2003: 32) شبکه روابط، نیازمند اعتماد اجتماعی، مشارکت و ارزش‌های مشترک است. در یک جمع‌بندی کلی، سرمایه اجتماعی، حاصل شبکه روابط اجتماعی، اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و داشتن تصویری مشترک از آینده است.

مفهوم اخوت¹

مناسبات اجتماعی تنها به واسطه هنجارها و قواعدی شکل می‌گیرند که افراد در کنش‌های خود به کار می‌برند. روابط و مناسبات در قالب شبکه‌های اجتماعی تجلی می‌یابند. نسبت بین انسان‌ها دو صورت دارد:

اول، نسبت حقیقی و طبیعی که مورد بحث ما نیست.

دوم، نسبت اعتباری و قراردادی که آثار شرعی و حقوقی از نسبت اعتباری ناشی می‌شود. (طباطبایی، 1374: 18 / 471)

امور اعتباری، اموری هستند که آثار حقیقی بر آنها مترتب می‌شوند، برای مثال فردی را رئیس و بقیه اعضای جامعه را مرئوس فرض می‌کنند. منظور از اخوت اسلامی، اخوت اعتباری است و از هم‌شکلی عقیدتی، ارزشی و رفتاری ناشی می‌شود. اخوت اسلامی، گروه

1. نویسنده، عبارات «اخوت اسلامی»، «وحدت کلمه» یا «وحدت و اتحاد» در آثار امام را به یک معنی در نظر می‌گیرد.

دهم‌تنبه‌ای است که با وجود تمایز افراد و گوناگونی سالیق و مذلهب، چون هویت مشترکی دارند، گروهی را تشکیل می‌دهند. مثل فرشی که با وجود نخ‌های رنگارنگ از یک نقشه تبعیت می‌کنند. تار و پود این نقشه از نظر جهان‌شناسی، توحید؛ از حیث ارزش‌شناختی تقوا و از حیث رفتاری «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح / 29) می‌باشند. یک گروه، مجموعه‌ای از افراد است که باهمدیگر روابط منظم و نسبتاً پلیدار دارند و بطور مستمر و قبل‌پیش‌بینی برای رسیدن به اهداف مشترک باهم همکاری می‌کنند. (Nadel, 1951: 146)

در این مقاله اخوت اسلامی ملند سرمایه اجتماعی، حاصل شبکه روابط اجتماعی، اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و داشتن ارزش‌ها و تصویری مشترک از آینده است. از این رو، اخوت اسلامی در این مقاله سرمایه اجتماعی ملحوظ شده است. شبکه روابط رسمی یا غیررسمی در مرکز مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی قرار دارد و اخوت یک شبکه روابط غیررسمی است. واحد تحلیل در این مقاله اخوت در سطوح منطقه‌ای (شیعه و سنی) و بین‌المللی (مستضعفان) است. هرچند تأکید اصلی امام بر سطح منطقه‌ای و شیعه و سنی است.

با توجه به اینکه آبخور اندیشه‌های امام، قرآن کریم و حدیث است، ابتدا مسئله اخوت اسلامی را از منظر قرآن و حدیث بررسی کرده، سپس به نظر امام می‌پردازیم.

اخوت در قرآن

اخوت اسلامی، شبکه‌ای از روابط عاطفی، اجتماعی، سیلسی، فرهنگی و اقتصادی دو وجهی است که از نظر پیوستگی و گسستگی، خودی و غیرخودی و از نظر جامع‌شناختی، همگرایی و واگرایی دارد. رابطه پیوستگی حامل همبستگی و همگرایی «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» و رابطه گسستگی حامل واگرایی «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» هستند. قرآن کریم هم‌شکلی عقیدتی و رفتاری را در کنار برادری مطرح می‌کند. آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات / 10) قلمونی را در بین مسلمانان تشریح می‌کند و نسبتی را برقرار می‌سازد که پیش از این برقرار نبود و آن، نسبت برادر ایمی است که آثار شرعی و حقوقی

نیز دارد. از سوی دیگر، تبنیرکنندگان را برادران شیطان می‌نامد. (اسراء / 27) افراد در چارچوب عقیده، ارزش و رفتار «از کنش‌ها یا شبکه‌های دوهم‌تفکری از وابستگی متقابل هستند که به صورت متقابل به یکدیگر متکی هستند». (یونز و اسکات 1385: 87)

قرآن کریم برادری ایملی را تحکیم‌بخش وحدت و همبستگی اجتماعی دانسته و برادری و الفت مؤمنان را سرملیکای تصویر می‌کند که با صرف همه منابع مادی نمی‌توان آن را به وجود آورد. (انفال / 63) از این رو، آن را نعمت الهی می‌شمارد (بقره / 178 و آل عمران / 103) و به‌عنوان عمل پایداری جامعه بر آن تأکید می‌کند. (بقره / 178)

قرآن، اخوت اسلامی را مکلیم تأدیه حقوق، رفع مشاجره‌ها و نزاع‌ها، حل و فصل دعوی و پرهیز از کارها و رفتارهایی مطرح می‌کند که موجب ازهم‌پاشیدگی ثبات و پایداری اجتماعی می‌شوند. (حجرات / 12 - 9)

اخوت اسلامی نماد توحید اجتماعی است و از توحید عقیدتی نشئت می‌گیرد. انسان مؤمن تملی امتیازات مادی را کنار می‌گذارد و نقطه اشتراک بنیابین را ایمان به خدا می‌داند و تمام کنش و واکنش‌های خود را براساس آن تنظیم می‌کند.

گفته شد که اخوت طبیعی و اعتباری است. اخوت طبیعی در شرایط اثری ندارد ولی اخوت اعتباری دارای آثار اعتباری در اسلام است. از این رو، نژاد در اسلام اعتبار ندارد. (طب‌طبیبی، 1374: 47) اخوت اسلامی، الفت، تعاون و همبستگی اجتماعی را بازنمایی می‌کند و لازم است مسلمانان باهمه عواملی که باعث خروج از این اصل می‌شوند، مبارزه کنند. (سازلی، 1412: 6 / 3343) به نظر بعضی مفسران، تعاون و همکاری بید به صورت انسلمی باشد، دعوت اسلامی هم اسلساً کلی است و استثنائی ندارد. دهها آیه و روایت دال بر عمومیت دعوت اسلامی است، مانند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى
وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ
أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.
(حجرات / 13)

لی مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را شعبه‌شعبه و قبیله‌قبیله قرار

دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی تردید، گرمی‌ترین شمانزد خدا باتقواترین شملت.

خطاب «ای مردم»، عبارت «از مرد و زنی» و «باتقواترین» دلیل قاطع و واضح بر دعوت انسانی و عالم‌گیر قرآن است.

پیامبر اکرم ﷺ نیز در فرمایشی شبیه این آیه می‌فرمایند:

الناس سواء كأسنان المشط، ألا لا فضل لعربي
علي عجمي، ولا لعجمي علي عربي، ولا لأحمر
علي أسود، ولا لأسود علي أحمر إلا بالتقوي.
(مجلسی، 1404: 22 / باب 10 / 348)

مردم مانند دانه‌های شانه برابرند. آگاه بشنید عرب بر عجم و عجم بر عرب، سرخ‌پوست بر سیاه‌پوست و سیاه‌پوست بر سرخ‌پوست هیچ برتری ندارد مگر به تقوی.

آیه 30 سوره روم تصریح می‌کند که دین اسلام دین فطرت است. فطرت نیز در همه انسان‌ها مشترک می‌باشد.¹ (مغنیه، 1424: 7 / 1151) از دیدگاه قرآن، بشر از اصل واحد برخوردار است.

مرحوم مطهری از اخوت اسلامی به «سوسیالیسم اسلامی»² تعبیر می‌کند. این مسئله ایده‌آل منهد و اسلام و آن چیزی است که در دوره آخرالزمان وعده داده شده است. آن وعده این است که انسان از لحاظ رشد اخلاقی، عاطفی و صفای در اخوت به حدی می‌رسد که عملاً اشتراک وجود دارد، عملاً این جیب و آن جیب وجود ندارد. (مطهری، 1374: 15 / 575) قرآن دنبال تحقق روابط انسان‌ها بر اساس برابری، برادری، احساس اخوت و همسلی است تا جامعه را از نظر نظالمات و مقررات طبق‌الگوی توحیدی ایجاد کند. (همان: 24 / 73) نتیجه سخن اینکه اخوت اسلامی با نظر دقیق، همان اخوت انسانی است و

1. ایشان به مطلبی اشاره می‌کند که در صورت اثبات بسیار عجیب است و آن اینکه ایمان به انسان به‌عنوان انسان، در ردیف ایمان به خدا و رسول است. بنابراین اخوت انسانی اثبات می‌شود. (مغنیه، 1424: 7 / 1151)

2. باید توجه کرد که منظور استاد مطهری به هیچ وجه سوسیالیسم مارکس نیست.

اسلام، تمام انسان‌ها را به حکم یک خلوآه تصویر می‌کند و اعضای خلوآه در غم و شادی هم شریک هستند.

در قرآن برای هدایت، دو دسته آیات وجود دارد. دسته‌ای هدایت قرآن را مختص به متقین، مؤمنین و محسنین و مسلمین و دسته‌ای از آیات همگلی و انسان و بشر را مطرح می‌کنند.¹ «آیت‌الله جوادی» در حل این مسئله سه نظریه را مطرح می‌کند: اول، عده‌ای از مفسران نظیر «امین الاسلام طبرسی» می‌گویند:

هدایت قرآن، همگلی است، ولی لسان‌ها دو دسته‌اند: یک دسته دعوت قرآن را می‌پذیرند و از آن بهره می‌برند و یک عده آن را نشنیده می‌گیرند.

دوم، نظر «علامه طباطبایی»، است که می‌گوید:

هدایت الهی دو نوع است. هدایت تکوینی فطری که همگلی است و همه از آن بهره می‌برند و هدایت تشریحی که مختص کسلی است که فطرت خود را از اعوجاج حفظ می‌کنند و عده‌ای فطرت حق جو و خدای طلب خود را از بین می‌برند و بی‌بهره از هدایت قرآن می‌شوند.

سوم، نظر خود «آیت‌الله جوادی» است که می‌نویسد:

هر دو نظریه قبلی مبتنی بر پذیرش تعارض میان آیات است، در حالی که هر دو دسته آیات، یک حقیقت را بیان می‌کنند و تعارضی بین آنها وجود ندارد. هدایت قرآن برای کسلی است که فطرتشان سالم، پاک و زنده است و کسلی که فطرتشان مرده است، از هدایت قرآن بیرون هستند. در واقع، کسلی که فطرت آنها مرده است، لسان نیستند، بلکه شبیه حیوان و حتی کمتر و گمراه‌ترند. پس با تأمل معلوم می‌شود که «ناس» همان «متقین» و «متقین» همان «ناس» هستند و دیگران در حکم چهارپایان یا فروتر از آنها هستند. (جوادی، 1379: 2 / 146 - 140)

امام خمینی در بحث از صورت ملکوتی انسان، هشت نوع لسان را بیان می‌کند و از میان

1. به ترتیب: بقره / 2؛ یونس / 57؛ لقمان / 3؛ نحل / 89؛ بقره / 185؛ مندر / 31.

آنان فقط یک نوع را انسان و بقیه را گوناگونی از حیوان می‌شمارد. (فتحی، 1388: 180)
بنابراین سخن صاحب «کشاف» با این تحلیل، بیهوده نیست. اما اگر منظور ایشان، اخوت
مؤمن و کافر، موحد و مشرک و ... باشد، سخن وی پذیرفتنی نیست.

اخوت در روایات

از اصول اسلمی زندگی سالم و مترقی، آسایش، آرامش، مردم‌دوستی و مداراست. روایات
زیادی در توصیه به مهرورزی و مردم‌دوستی آمده، تا جایی که تمام مردم باایمان، یک روح
دانسته شده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَثَلُ افراد با ایمان در دوستی و مهرورزی، همچون اعضای یک پیکرند که چون
بخشی از آن رنجور شود، اعضای دیگر را آرمش نخواهد ملد. (مجلسی، 1404:
150 / 58)

و نیز فرمود:

بهترین مؤمنان کسلی هستند که مؤمنان دیگر با او الفت گیرند و هرکسی با
دیگران الفت نگیرد و دیگران نیز با او الفت و دوستی نداشته باشند، خیری در
او نیست. (همان: 298 / 64)

در کتاب «مجلسن» از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: فردی به نام زیاد از رابطه دین و
محبت می‌پرسد، امام می‌فرماید:

ولی بر تو! مگر دین بفقیر از محبت، چیز دیگری است؟ مگر کلام خدا را نمی‌بینی
که می‌فرماید: «اگر دوستدار خدا هستید مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را
دوست بدارد و گناهان شما را برایتان بیلرزد». (آل عمران / 31) مگر خطاب او را
به رسول گرامی‌اش محمد صلی الله علیه و آله نمی‌بینید که می‌فرماید: «ایمان را محبوب شما
کرد و در دل هلیتان زینت داد»، (حجرات / 7) و نیز می‌فرماید: «مسلمان هرکسی
را که به سوی ایشان هجرت کند دوست می‌دارند»، (حشر / 9) و فرمود: حب همان
دین و دین همان حب است. (برقی، 1371: 262 / ح 327)

کلینی در «اصول کافی» از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

پیغمبر صلی الله علیه و آله در مسجد خیف برای مردم سخنرانی می‌کرد، فرمود: خدا رحمت کند بنده‌ای را که سخن مرا بشنود و به کسلی که نشنیده‌اند برسد. سه خصلت است که دل هیچ مسلمانی با آن خیلست نمی‌کند: خلوص عمل، خیرخواهی پیشوایان و همراهی با جماعت مسلمین. مسلمین همه برادرند، خونشان برابر است. مسلمین همه یک‌دستند. (کلینی، بی‌تا: 2 / 258 / ح 1)

امام صادق علیه السلام فرمود:

مسلمان، برادر مسلمان، چشم و راهنمای اوست، به او خیلست و ظلم نمی‌کند، او را فریب و وعده خلف نمی‌دهد. (همان: 3 / 242 / ح 3)

امام باقر علیه السلام فرمود:

مؤمنین وقتی همدیگر را ملاقات کنند و مصافحه نمایند، خداوند دستش را میله دست‌های آنها داخل کند پس مصافحه فرماید هر یک از آنها را که حبش نسبت به رفیقش بیشتر است.

حقیقت و سرّ واقعی این کرامتها تحکیم مودت و محبت و تجلید عهد اخوت فی‌الله است. (امام خمینی، 1373: 553) این حدیث نشان می‌دهد که قدرت خداوند همراه اجتماع و انسجام مسلمانان است «لأن یدالله تعالی مع الجماعة والوحدة». (امام خمینی، 1379: 15 / 38) اخوت اسلامی، ظهور و تجلی قدرت خداوند در جمعه و سرمایه اجتماعی متکی بر نیروی لایزال و بی‌پایان است. اصل پدیدار روابط اجتماعی که یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود انجام تعهدات و برآوردن انتظارات یعنی اعتماد اجتماعی است. جمله‌ای که اعضای آن خیرخواه، چشم و رهنما و مخلص هم باشند، روابط پدیدار اجتماعی مبتنی بر اعتماد بر آن حاکم خواهد شد. اخلاق حاکم بر جمعه اسلامی، هم‌نشینی از اعتماد اجتماعی و هم‌پدیدآورنده اعتماد اجتماعی هستند. سرمایه اجتماعی به الگوی روابط و محتوا یا کیفیت آن وابسته است و محتوای روابط اجتماعی در یک شبکه به اعتماد اجتماعی

وابسته است. اخوت اسلامی بدون اعتماد فراگیر، هم از نظر ساختار و هم از نظر کیفیت روابط، محقق نمی‌شود.

اخوت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

اخوت اسلامی، ایده‌ای بنیادین در اندیشه امام خمینی علیه السلام است. باورها و دشمنان مشترک دو مبنای مشترک اخوت و روابط اجتماعی اسلامی بین مسلمانان هستند که عوامل اصلی بنیان اخوت اسلامی به شمار می‌روند. این اصول و ارزش‌های مشترک در سطح شیعیان و نیز در سطح شیعه و سنی روشن است و در سطح مستضعفان نیز، آرمان عدالت، آزادی و استقلال، بین مسلمانان و مستضعفان مشترک است. در واقع، خواسته آنها در راستای خواسته‌های اسلام و قرآن و تحقق وعده‌های قرآن کریم است. شبکه اخوت اسلامی در اندیشه امام از زاویه قدرت سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. ایشان می‌فرماید:

اگر اخوت اسلامی در بین ممالک اسلامی به وجود آید، یک قدرت عظیمی پیدا خواهد شد که هیچ‌یک از قدرت‌های دنیا نمی‌توانند به پستی آن برسند.
(همان: 8 / 88)

لازمه قدرت اجتماعی، بسیج و سازمان‌دهی نیروها و منابع و اهداف است. بسیج «روندی است که در آن یک واحد اجتماعی به سرعت بر منابعی که پیش‌تر بر آنها کنترل نداشته کنترل پیدا می‌کند». (بشیریه، 1374: 79) شرایع بزرگ، مدعی کنترل و هدایت کل بشر به سوی خداوند هستند و اخوت، مهم‌ترین مکتبم تحقق این مقصد بزرگ است. از این رو، اخوت اسلامی یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیا برای بسیج اجتماعی و تشکیل ملینه فاضله و جلوگیری از تعدی بر آن است. (امام خمینی، 1373: 309) اگر چنین مودت و اخوتی در یک جامعه به وجود آید، بر تمام ملل متعددی غلبه می‌کند و نهمواری‌های راه تعالی جامعه را هموار می‌سازد. (همان: 310 و 311)

امام با درک این مطلب در پی احیای این مکتبم است و برای رسیدن به آن، ناچار است افکار و اندیشه‌ها را متوجه باورها و مشترکات اسلام راستین و دشمنان مشترک سازد و بدعت‌ها

و خرافه‌ها را از مغزها بیرون کند؛ به زندگی عمومی از نظر مادی و معنوی سلمان بخشد و روابط انسان‌ها را براساس برابری و برادری و احساس اخوت و همسایگی برقرار سازد. امام می‌داند جامعه مبتنی بر اخوت اسلامی، جز از راه اصلاح و تغییر اندیشه‌ها صورت نمی‌گیرد و کسب استقلال و آزادی جز از طریق اخوت اسلامی به وجود نمی‌آید. مسلمان‌ها با وجود اختلافات جزئی در فقه و کلام، دشمنان مشترکی دارند که کلیت اسلام را هدف قرار می‌دهند. امام در مصاحبه با «لوسین ژرژ» می‌گوید: «من همواره مُصراً خواسته‌ام که مسلمانان سراسر جهان متحد شوند و بر ضد دشمنانشان ... مبارزه کنند». (امام‌خامنه‌ای، 1379: 3 / 374)

جهان اسلام در حال حاضر به دلیل توری از هم‌دیگر و سیسهای تفرقه‌افکننده قدرت‌های سلطه‌جوی فرامنطقه‌ای، دچار مشکلاتی است که الگوسازی و اجرای اندیشه امام، این مشکلات را حل خواهد کرد. عوامل تفرقه بین شیعه و سنی، یا جهل دوستان و یا سیسهای دشمنان است. به نظر می‌رسد جامعه‌شناسی انسان از نظر امام، مبتنی بر روان‌شناسی اوست. اگر انسان براساس فطرت خدادادی تربیت شود، در سایه آن وحدت نفوس، اتحاد و الفت، اخوت، صداقت قلبی، صفای باطنی و ظاهری ممکن می‌شود. به‌گونه‌ای که افراد جامعه هویت و شخصیت واحد می‌یابند. اگر چنین مودت و اخوتی در یک جامعه پیدا شد، بر تمام ملل غلبه می‌کند. نمونه آشکار آن صدر اسلام است (امام‌خامنه‌ای، 1373: 310) و اگر براساس فطرت، دلبسته به دنیا تربیت شود، در سایه آن، اختلاف‌ها و تضادهای ظاهر می‌شوند.

تأکید بر اخوت اسلامی به‌مثابه تبعیض میان مسلمان و غیرمسلمان نیست. از این‌رو، امام به اقلیت‌های مذهبی اطمینان می‌دهد که آنها در این مملکت از زندگی عادلانه و مرفه‌ای بهره‌مند خواهند شد. (امام‌خامنه‌ای، 1379: 6 / 133) این امر نشان می‌دهد که امام اخوت اسلامی را مکلیسم منسب‌ی برای تأمین عدالت و جلب اعتماد می‌داند و یک مؤلفه اساسی در تأسیس سرمایه اجتماعی - معنوی به‌شمار می‌رود. امام با طرح اخوت اسلامی از یک‌سو، بلورهای مشترک را برجسته می‌سازد و از سوی دیگر، تکلیف‌همگامی را برای مبارزه با مؤلفه‌های منفی مانند جنس، شغل، شهری و روستایی، گروه‌های مذهبی، نابرابری‌های قلمرویی و دشمنان، تعیین می‌کند. پرننگ شدن این مؤلفه‌ها، فرصت‌های کنش مردم را محدود می‌سازد

و آنها را برای کسب امتیازات به رقابت و منازعه و می‌دارد. امام رابطه هم‌تغییری متغیرها را در شبکه روابط اجتماعی اخوت اسلامی با یک مثال ساده بیان می‌کند:

وقتی یکمیلیارد جمعیت فریاد کرد، اسرائیل نمی‌تواند، از همان فریادش می‌ترسد. (همان: 13 / 81)

اساس هیئیت اخوت اسلامی، خودآگاهی ایمانی، اخلاقی، سیلسی و اجتماعی است. تهذیب نفوس، از خودگذشتگی و دیگرگرایی، تسلیم به احکام اسلام و رابطه خادم و مخدومی بین دولت و مردم، از بنیان‌های مهم آن هستند. انسان باید از نظر روحی و تربیتی به این حد برسد و خود را متعهد در برابر همه مؤمنان بداند. این تحول، پایه تعهدات و انتظارات؛ یعنی اعتماد اجتماعی را تشکیل می‌دهد.

در شبکه اخوت شهروندان قدرت و وضعیت برابر دارند. اخوت یعنی برادروار زندگی کردن. این نوع زندگی سرشار از اعتماد و عطفه است. در این نوع جامعه نه تنها افراد هم‌دیگر را می‌شناسند - که یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی است - بلکه به شکل فعالی در زندگی هم‌دیگر نقش داشته روابطی مفید و مملو از اعتماد را برقرار می‌کنند. فراست و فروست مفهوم خود را از دست می‌دهد و تقوا اساس تعاملات در جامعه می‌شود.

اهداف اخوت

هدف سلسلی هیئیت اخوت در اندیشه امام، بازگشت به اسلام و قرآن می‌باشد و در آثار و موقعیت‌های مختلف به عملی‌سازی آیات: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا...» (آل عمران / 103) «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، (حجرات / 10) «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ»، (انفال / 46) «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ». (مأده / 56) تأکید می‌کند. از این روی اگر حس رحمت و شفقت، حق نوعیت و اخوت انسان را به ارشاد و بیدار کردن مردم و ادار کند، کیفیت بیان و ارشاد از قلب رحیم تراوش می‌کند، طوری که قلوب سخت را نیز از استکبار و استنکار فرو نشاند. افسوس که ما از قرآن تعلم نمی‌گیریم و به این کتاب

کریم الهی، نظر تدبیر و تعلم نداریم و استفاده ما از این ذکر حکیم کم و ناچیز است. (امام خمینی، 1372: 237) قرآن غیر از برادری را برای مؤمنین نمی پذیرد. اگر هیچ جهتی جز برادری لحاظ نشود، انسجام و همبستگی به وجود می آید. اگر همه مؤمنین در تمام کشورهای اسلامی همین یک دستور خدا را عمل کنند آسیب پذیر نخواهند بود. اگر جمعیت میلیاردری مسلمانان همین یک حکم را اطاعت می کردند، این گرفتاری ها پیدا نمی شد. (امام خمینی، 1379: 11 / 491)

از نگه امام، اخوت اسلامی با رویکرد «همه باهم بودن» فرلهم می شود، نه با «همه با من بودن». اولی رهیافت الهی و دومی رهیافت نفسانی و شیطنی است. (همان: 19 / 206) با تأمل در قرآن کریم معلوم می شود که همگرایی و اهمیت به سرزوشست جمع، یک اصل مهم است و با تحقق اخوت اسلامی، این اهداف تأمین می شوند:

الف) اطاعت از رهبری جامعه اسلامی: یکی از محوره ای اخوت اسلامی و همبستگی اجتماعی، رهبر جامعه اسلامی است. دشمنان اسلام از وجود پیامبر ﷺ به عنوان محور اتحاد و عامل همبستگی مسلمانان وحشت داشتند، از این رو، در جنگ احد برای اینکه اختلاف ایجاد کنند شلیعه کردند که پیامبر ﷺ کشته شده است. (سبحانی، 1363: 2 / 53) اطاعت از رهبری، جز در سایه حمایت از او تحقق نمی یابد. مردم تاهنگامی که از رسول خدا ﷺ اطاعت می کردند، از یکپارچگی برخوردار بودند. قرآن مجید شوکت مسلمانان را در سایه پیروی از خدا و رسول خدا ﷺ می داند، چنان که عکس آن نیز صحیح است و عدم اطاعت و حمایت باعث سستی و بر باد رفتن عظمت آنها می شود. نتیجه سخن اینکه، رابطه رهبر و مردم، رابطه امت و املمت و مرید و مرادی است. به همین دلیل مردم دور ایشان حلقه می زنند.

ب) اصلاح امور جامعه: یکی از اهداف اخوت، اصلاح امور و حفظ مصالح جامعه اسلامی و رسیدن به آرمان های قرآنی و مستضعفان است. حلقه اتصال همه افراد و گروه ها مصالح است. بر همین اساس است که هرگله مصالح عمومی جامعه ای در معرض تهدید قرار گیرد، مصالح فردی و گروهی نادیده گرفته می شود و همه از آن دفاع می کنند. سکوت امام علی ﷺ و همکاری او با خلفا در راستای مصالح عمومی صورت گرفت. (احمد بن ابی یعقوب، 1362:

107 / 2) سطح مصالح متفاوت است. مصالح در سطح شیعیان، در سطح شیعه و سنی و در سطح مستضعفان جهان در نوسان خواهد بود. سطح همکاری‌ها و اعتمادها و مشارکت‌ها نیز مختلف خواهد بود.

ج) قدرتمند شدن: هرگونه تعامل به قدرت وابسته است. «اگر چنین مودت و اخوتی در بین یک نوع یا یک طایفه پیدا شد، غلبه کنند بر تمام طوایف و مللی که بر این طریق نباشند». (امام خمینی، 1373: 310)

اخوت از نظر سیلسی و اجتماعی، عامل مشارکت است. مشارکت از نظر بیرونی، منبع سلطه بر ملت‌ها و از نظر داخلی عامل تعیین تکلیف سرزوشت ملت‌ها به دست خود و بیداری دولت‌ها در استفاده بهینه از منابع است. چه کسانی در عملی کردن پیام اسلام و ایده امام برای شکل‌گیری اخوت اسلامی - انسانی مسئولیت دارند؟ با جستجو در آثار امام باسه گروه روبه‌رو می‌شویم که با عنوان مکلیسم‌های ایجاد اخوت بررسی می‌شوند.

مکانیسم‌های ایجاد اخوت اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

1. علما

اخوت اسلامی - انسانی در سطوح مختلف وابسته به روشنگری و بیداری مردم است که از وظایف اصلی علما و دانشمندان شناخته شده است. تبیین تئوریک نظام اخوت آثار و نتایج سیلسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. تبیین و دعوت به دو گونه تقسیم می‌شود:

الف) بیانی و گفتاری: بیداری مردم به تبلیغ و تعلیم صحیح و کامل دین و اصول مشترک انسانی و فطری برمی‌گردد. این مسئولیت به عهده علمای اسلام و مراجع دینی است. (امام خمینی، 1379: 2 / 35) توجه به نظام‌های سیلسی، اجتماعی، اقتصادی و توانمندی دین در اداره جامعه بشری در این بخش یک ضرورت محسوب می‌شود.

ب) عملی: هرچند «انظر الي ما قال» اصل است، نه «الي من قال»، لکن قلمبه مردم بین گفتار و رفتار، ملازمه برقرار می‌کنند، یا قادر به تفکیک نیستند و یا

نمی‌خواهند تفکیک بین گفتار و رفتار کنند. گفتار در صورتی مؤثر واقع می‌شود که همراه با عمل و التزام باشد. علم در صورتی مفید خواهد بود که همراه با تهذیب باشد. علم غیرمهدب، ضررش از نفعش بیشتر است. تمام ادیان کاذب و بدعت‌ها را، علمای غیرمهدب تأسیس کرده‌اند. (همان: 2 / 38) در عین حال، این یک قلمه اجتماعی است که «اعتماد نکن به کسی یا گروهی که می‌گوید، ولی عمل نمی‌کند». گرایش مردم به علمای به ایجاد اعتماد متقابل بستگی دارد. به هر صورت تعلیم و تربیت زیربنای حرکت سیلسی و قیام است و تأسیس حکومت اسلامی به قیام همگامی وابسته است. از این رو، توسعه امر «تبلیغ» و «تعلیم» اولین و اساسی‌ترین وظیفه علم است:

وظیفه ما این است ... برای پایه‌ریزی یک دولت حقه اسلامی ... تبلیغ کنیم، تعلیمات بدهیم، همفکر بسازیم، یک موج تبلیغاتی و فکری به وجود آوریم تا یک جریان اجتماعی پدید آید و کم‌کم توده‌های آگاه ... در نهضت اسلامی متشکل شده، قیام کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند. تبلیغات و تعلیمات دو فعالیت مهم و اساسی است. (امام خمینی، 1381: 128)

شرایط تحقق اخوت اسلامی و همگرایی توده‌های مسلمان و غیرمسلمان در عبارت ذکر شده آشکار است. حرکت فکری برای بیداری فکری مردم، سرمایه‌گذاری در نظام تعلیم و تربیت و تشکیل کادر هم فکر یک ضرورت است. خلق بلوهای مشترک اولین گام برای همیاری و حرکت اجتماعی و ظهور نهضت جهانی اسلام شمرده می‌شود. بلوها و ارزش‌های مشترک زملی حرکت ایجاد می‌کنند که از طریق تعلیم و تربیت در وجود تک‌تک افراد نهاده شود. به گفته امام:

باید کاری کرد که ملت‌ها تکلیف خودشان را بفهمند. اگر علمای کشورهای اسلامی می‌خواهند مسائل ممالک اسلامی حل شود، باید مردم را بیدار کنند. (امام خمینی، 1379: 13 / 85)

امام در امر توسعه و تحکیم بلوها و مبلی دین و اخوت اسلامی به پیگیران تبلیغی و شبکه‌های روابط اجتماعی سنتی، از جمله مراسم «نماز جمعه»، «جمعات»، «حج» و «روز قدس» در سطح ملی و بین‌المللی تأکید می‌کند. او درباره نقش برجسته نماز جمعه جمعات و

حج، در امر بارورسازی فکری و تحقق بخشی اخوت اسلامی می‌گوید: «... اسلام این‌گونه اجتماعات را فراهم کرده تا از آنها استفاده دینی بشود، عوطف برادری و همکاری افراد تقویت شود». (امام خمینی، 1381: 131) گام دوم، حرکت سیلسی است که به بیداری توده‌ها وابسته است. در واقع، از دیدگاه امام پایه حرکت اجتماعی و قیام، تعلیم و تربیت است. بدون تحول فکری، قیلمی صورت نمی‌گیرد یا یک حالت هیجانی و احساسی زودگذر خواهد داشت. گام سوم، تشکیل حکومت اسلامی است. تا هن مردم تغییر نیابد و فرم جدیدی پیدا نکند و براساس آن حرکت اجتماعی و نهضت صورت نگیرد، تشکیل یک حکومت اسلامی براساس آرمان‌های دینی و انسانی، یعنی یک حکومت عادلانه امکان‌پذیر نخواهد بود.

2. دولت‌های اسلامی

مقصود ما از دولت فراتر از قوه مجریه است، بلکه «مجموعه‌ای از افراد و نهادهای که قوانین فئکه در یک جامعه را وضع و با پشتوانه قدرت برتری که در اختیار دارند، اجرا می‌کنند». (زنی، 1374: 1 / 13) دولت‌ها در تصمیم‌گیری‌های جمعی و پس‌رفت و تعلی جوامع، نقش سلسی دارند. از نظر امام آسان‌ترین راه تحقق «اخوت اسلامی»، در اقدام ارادی سران و رؤسای ممالک اسلامی است؛ زیرا سران دول اسلامی، تملی امکانات و بهره‌های حقوقی و اجرایی را برای ایجاد اخوت اسلامی در اختیار دارند.

ما حرفمان این است که دولت‌ها بیایند قیل از اینکه خود ملت‌ها قیام بکنند، خود دولت‌ها بیایند خاضع بشوند، با هم دوست بشوند، با هم یک جلسه‌ای درست کنند، همه رئیس‌جمهورها بنشینند پیش هم و حل کنند مسأله‌شان را. هر کس سر جای خودش باشد؛ لکن در مصالح کلی اسلامی، در آن چیزی که همه هجوم آورده‌اند به سلام، در او با هم اجتماع کنند، جلوشان را بگیرند و آسان هم هست. (امام خمینی، 1379: 18 / 269)

مسئولیت دولت‌های اسلامی از همه طبقات بیشتر است؛ زیرا حفظ و اجرای احکام اسلام به دست این طبقه سپرده شده است. (همان: 2 / 30) عمل به قرآن کریم، اساس بازگشت

عظمت و مجد اسلام و جوامع اسلامی است. عمل به قرآن با حفظ وحدت کلمه و مراعات اخوت ایمانی که ضمن استقلال ممالک اسلامی و خروج از نفوذ استعمار است، به دست می‌آید. این مسئولیت سنگین بمعهد دولتهای اسلامی است. (همان: 2 / 460) امام اظهاری امیدواری می‌کند و می‌فرماید:

دولتهای اسلامی، با قطع نظر از زبان و نژاد و مذهب تحت پرچم اسلام و سایه اخوت اسلامی در امر تشکیل ارتش صدمیلیونی کشورهای اسلامی فکر کنند و طرح آن را بپرزند». (همان: 18 / 94)

سعادت نیوی و اخروی ملتها و دولتها در اعتصام به حبل‌الله و شقاوت آنها در پشت کردن به تعلیم اسلام است. مسلمین با نزدیک به یکمیلیارد جمعیت و مخازن بسیار غنی، تحت سیطره اجلب هستند. کلید به دست آوردن استقلال و آزادی، همگرایی است. «سران دولتها باید این فکر اسلامی را تعقیب کنید». (همان: 7 / 170) از نظر امام، اساس مسائل ممالک اسلامی، جدایی بین حکومتها و ملتها و بین خود دولتهاست. راه حل هر دو، دعوت مسلمانان به اخوت است. (همان: 10 / 486) اخوت اسلامی بمعنی تفاهم، با حفظ حدود و ثغور کشورهای اسلامی است. (همان: 2 / 35) ظاهراً، امام به دولت فدرال اسلامی می‌اندیشد که دولتهای اسلامی با حفظ مرزهای جغرافیایی خود، یک اتحادیه بزرگ تشکیل می‌دهند. با تشکیل اخوت بین دولتهای اسلامی، قدرت عظیمی به وجود خواهد آمد که هیچ‌یک از قدرتهای نیانمی‌توانند بجای آن برسند. (همان: 8 / 88)

3. ملتها

مردم از قرآن و اسلام و در سایه آنها از علما و دولتمردان خدوم تبعیت می‌کنند. لذا دشمن سعی دارد این دو سد را بشکند تا به مطلع خود نیل شوند. اگر قرآن و روحانیت و دولتمردان دلسوز نباشند، مردم پراکنده می‌شوند و مقاومت نمی‌کنند. (همان: 4 / 215) در جمله اسلامی، مقصد علمه دولتها و مردم، واحد است و هر کدام وظیفه‌ای خاص در رسیدن به مقصد ایفا می‌کنند. علما در ارتقای معنویت و فکر مردم و دولت در اقله عدل و مردم در پشتیبانی از

دولت نقش اساسی دارند. اخوت اسلامی به عنوان یک مکتب می تواند علما، دولت ها و مردم را در مسیر واحد برای نیل به مقصد واحد قرار دهد. تشکیل مدینه فاضله اسلامی، مقصد و مصلحت اجتماعی و فردی بزرگی است که در سایه وحدت نفوس و اتحاد هم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای بطنی و ظاهری به وجود می آید. (امام خمینی، 1381: 310)

پیغمبر اسلام به عنوان رئیس دولت اسلامی، عقد اخوت را بین مسلمین در صدر اسلام اجرا فرمود و به نص «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، اخوت را بین تمام مؤمنین برقرار کرد. مسلمین، بر اساس دستور قرآن به دوستی و مواصت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت مأمورند. آنچه موجب ازدیاد روحیه شود، محبوب و آنچه این عقد مواصت و اخوت را بگسلد و تفرقه در بین جمعیت اندازد، مبعوض صاحب شرع و مخالف مقاصد بزرگ اوست. (همان: 309 و 310) ملت ها باید به صدر اسلام برگردند. اگر حکومت ها با ملت ها هم‌رلهی نکرند، ملت ها باید حساب خودشان را از حکومت ها جدا کنند و با حکومت ها آن کنند که ملت ایران با حکومت خودش کرد. (امام خمینی، 1379: 13 / 89) اخوت اسلامی در سلوک سیلوسی امام یک منش اخلاقی، اجتماعی، سیلوسی و یک ضرورت برای قدرتمند شدن جوامع اسلامی است.

4. تأسیس حزب

در مطالب یادشده اخوت اسلامی به عنوان یک گروه تعریف شد و قرآن آن را با عنوان حزب الله بیان می کند. حزب، هم نماد قدرت اجتماعی و سیلوسی و هم نماد منیت است که چند ویژگی دارد:

اول: بر پایه یک ایده شکل می گیرد و همین، عامل تمیز مهم احزاب است.

دوم: فرد نمی تواند هم زمان در چند حزب عضو باشد.

سوم: حزب، منبعث از تعلق و پیوند است و خود بخود به وجود نمی آید.

چهارم: دنبال تغییر وضع موجود بر اساس مرام و مسلک خود است. (ساروخلی، 1370:

547)

منظور ما از حزب الله حزب به مفهوم امروزی نیست، بلکه همان امت اسلامی است. ایده

و آرمان حزب‌الله توحید و شرط عضویت در آن، ایمان و دستورالعمل و مرامنامه آن، قرآن و هفده حاکمیت الهی و اجرای احکام اسلامی است. (امام خمینی، 1379: 15 / 475)

هرچند امام با احزاب سروکار ندارد، ولی امت اسلامی را حزب واحد تلقی می‌کند. «مسلمین همه تحت یک حزب، «حزب‌الله» هستند». (همان: 6 / 296) حق و باطل، حزب‌الله و حزب شیطان، دو جریان دائمی از اول تأسیس جامعه بشری است. ملاک حق و باطل در اسم و ظاهر نیست، بلکه در ایده و محتواست. ایده حزب‌الله توحید در عرصه اعتقاد و جامعه است و ایده حزب شیطان، خودخواهی و استکبار است. پیروزی نهایی با حزب‌الله است، «حزبُ الله هُمُ الْغَالِبُونَ» و حزب‌های دیگر در نهایت مغلوبند. (همان: 17 / 192)

امام با تأکید بر تشکیل حزب مستضعفین، آن را در جبهه حزب‌الله تحلیل می‌کند که به دنبال تحقق جامعه عادلانه است. به نظر امام باهمگرایی مستضعفان علم که به قدرت جهانی حزب‌الله منجر خواهد شد، می‌توان به استقلال، آزادی، صلح و صفا دست یافت. «عموم مستضعفین باید به هم پیوندند و ریشه فساد را از کشورهای خود قطع کنند. سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است». (همان: 12 / 145) «حزب مستضعفین» و «حزب‌الله» دو مفهوم اسلسی در ادبیات سیلسی امام هستند که تجلی‌گاه قدرت سازمان‌یافته توده‌های مؤمن و مستضعف هستند. هدف هر دو تقویت باورهای جمعی در سطح امت اسلامی و امت‌های مستضعف دنیا و پایان دادن به نابسامانی‌های جهان اسلام و جهان مستضعفان است.

من امیدوارم که یک حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است از میان بردارند و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند و ندای اسلام را و وعده اسلام را - که حکومت مستضعفین بر مستکبرین است و «وراثت ارض» برای مستضعفین است - متحقق کنند. (همان: 9 / 280)

حزب مستضعفین در عرصه فعلیتهای سیلسی - اجتماعی، گامی به سمت فعال‌تر شدن

سرمایه اجتماعی است. امام خمینی علیه السلام با اشاره به جایگاه محوری حزب در ایجاد قدرت درباره نقش کاربردی آن می‌گوید: «هر مسئله‌ای که در هر جا و در هر ملتی پیش می‌آید به وسیله «حزب مستضعفین» رفع بشود». (همان: 9 / 281) بظن ما اعتمادسازی بین مردم، دولت و مردم، بین دولتهای اسلامی و مشارکت مردم در سرنوشت خود، می‌توانند شیوه‌های منسب‌تری برای تحقق اخوت اسلامی باشند.

5. اعتمادسازی

اعتماد بر پذیرش عملیت و کارگزاری فرد مقبل و خطرپذیری دلالت می‌کند. اعتماد یک موقعیت ذهنی، یک مجموعه نگرش مثبت از یک کنشگر، درباره رفتار یا هدف کنشگر دیگر است. «الف» به کنش یا هدف «ب» اعتماد می‌کند تا به هدف خود یا هدف مشترک برسد. اعتمادکننده، ارزیابی مثبتی از اعتمادشونده دارد و بر این بلور است که او برایش مفید است و برای رسیدن به هدف، محتاج اوست. اعتماد با اعتقاد، ریسک و وفاداری در ارتباط است. (توفکیس، 1387: 24) - تعامل اخلاقی - نسلی تأثیر مهمی در اعتمادسازی دارد. منظور ما از تعامل اخلاقی، برخورد نسلی با همه و تقسیم نکردن انسان‌ها به شهروند درجه یک و دو است. امام هرگونه تحقیر و کوچک‌شماری دیگران را مصداق استکبار و در مقابل، تعامل مساوات‌طلبانه و برابری جوینده را فرصت خوبی برای همگرایی اقشار جامعه می‌داند. (همان: 7 / 489)

نتیجه تعامل اخلاقی و نسلی، نفی نژادپرستی و قومیت‌گرایی است. در نگه اسلام، تقوا ملاک برتری، تعاملات اجتماعی و سیل‌سی معرفی می‌شود. قلمون نسلی جمهوری اسلامی نیز بر نفی هرگونه ستمگری و برتری‌جویی تأکید می‌کند. احساس تعلق اقلیت‌های مذهبی به جامعه با عدالت، مساوات و زندگی مسالمت‌آمیز به وجود می‌آید و همگرایی اقوام و نژادها با ملاک قرار دادن تقوا به دست می‌آید.

تعامل نسلی و اخلاقی یکی از بهترین راه‌های نفوذ در دل‌ها و موجب رفقت و محبت بین انسان‌ها خواهد بود. اهمیت این خصیصه بقدری است که خداوند متعال پیغمبرش را به اخلاق والا توصیف می‌کند. (قلم / 4) در آیه دیگر، نقش حیاتی خوش‌خلقی را در روابط اجتماعی و اتحاد امت اسلامی این‌گونه بیان می‌کند: «اگر تندخو و سخت‌دل بودی از گرد تو

پراکنده می‌شوند». (آل عمران / 159) اخلاق نیکو از عوامل مهم ایجاد وحدت و همبستگی و اخوت در جامعه است. خوش رفتاری حکومتها با ملت‌ها، آنها را با حکومتها همراه می‌سازد. در این صورت دولت‌ها آسیب‌پذیر می‌گردند. (امام خمینی، 1379: 18 / 59) اگر دولت‌های اسلامی بر مردمان خود نفوذ داشته باشند، یعنی تعلیمی مبتنی بر اعتماد متقابل بین آنها برقرار باشد، در صورت اراده دولت‌های اسلامی، حل مسائل فیملین به راحتی امکان‌پذیر خواهد بود.

موانع

مهم‌ترین موانع اخوت از کار افتادن نماهای اتحاد و اخوت است که به آنها اشاره می‌کنیم:

1. اختلاف: یکی از عوامل براندازی اخوت اختلاف است. اختلاف، اساس دین را به خطر می‌اندازد. (همان: 6 / 95) اسلام، دین مبارزه با تبعیض مذهبی، نژادی، جنسی، فقیر و غنی و طرفدار جامعه عادلانه است. (همان: 7 / 336) واگرایی جهان اسلام ناشی از سیلست‌های اختلاف‌افکن شیاطین و تبعیت عوام شیعه و سنی است؛ کسانی که نه از هل بیت و نه از سنت پیلمبر تبعیت می‌کنند. اسلام و قرآن اساس همگرایی شیعه و سنی است. (همان: 6 / 84 و 95) امام، مسائل اسلامی را «اقل و اکثر استقلالی» می‌داند، نه «اقل و اکثر ارتبطلی»؛ در اقل و اکثر ارتبطلی، همه یا هیچ یا صفر و یک مطرح می‌شود. قرآن این‌گونه هشدار می‌هد:

وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا . . .
(آل عمران / 103)

و نعمت خدا را بر خود، به یاد آورید که شما با هم دشمن بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید و خدا شما را از آن نجات داد.

وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ . . .
(نفال / 46)

با یکدیگر نزاع نکنید که سست می‌شوید و شوکت شما از میان می‌رود.

امام، رذایل اخلاقی مانند غیبت را در صورت رایج‌شدن بین جمعیت، موجب کینه حسد، بغض و عداوت و فساد در جمعیت می‌داند. نفاق و دورویی را در میان آنها ایجاد می‌کند و

وحدت و اتحاد جامعه را گسسته و پایه دیلت را سست کند. (امام خمینی، 1373: 310)

2. تحقیر روحانیت و اسلام: اسلام و روحانیت از عوامل مهم همگرایی در سطح جوامع اسلامی هستند و در جهان مستضعفان تأثیرگذارند. از این رو، تلاش می‌کنند روحانیت را از کار بیندازند. (امام خمینی، 1379: 15 / 208) جدایی روحانیت از سیلست و جامعه و سرنوشت جامعه اسلامی سرلوحه دشمنان بود. سد دیگری که می‌بایست شکسته می‌شد، اسلام بود. اسلام را در نظر مسلمین تحقیر می‌کنند، تا مردم را از آن جدا کنند. (همان: 4 / 196)

نتیجه

اخوت اسلامی به عنوان سرمایه اجتماعی، در مقوله‌های «حزب الله»، «حزب مستضعفان» و «اخوت» ظهور می‌کند و افراد با ورود به آنها سود می‌برند. اخوت اسلامی که مانند سرمایه اجتماعی به‌لحستگی و بهرورزمان ایجاد می‌شود، می‌تواند به سرعت از بین برود. قدرت در اخوت اسلامی و سرمایه اجتماعی در ساختار روابط (از نظر کمی و کیفی) نهفته است و برای مالک شدن آن باید وارد ساختار شد. دیگران منبع واقعی هستند. امام می‌گوید: اگر یک میلیاردر مسلمان جمع شود، استقلال و آزادی خود را به دست می‌آورند. اخوت اسلامی و سرمایه اجتماعی از طریق بالابردن اعتماد عمومی، کنش‌های جمعی را تسهیل می‌کنند و هزینه‌های کنش را کاهش می‌دهند. یک تفاوت مهمی بین اخوت اسلامی و سرمایه اجتماعی رایج وجود دارد و آن اینکه اخوت اسلامی از جهان بینی و ایندولوژی توحیدی نشئت می‌گیرد.

با توجه به مباحث مطرح شده، اهمیت اخوت اسلامی روشن تر می‌شود. اخوت اسلامی، حل مسائل جوامع اسلامی را برای اعضای جامعه آسان می‌سازد. اعضای جامعه وظایف و مسئولیت‌های متقابل خود را انجام می‌دهند و به انجام آنها اهتمام دارند. اخوت اسلامی، انجام کنش‌های جمعی را تسهیل می‌کند و موجب اعتماد عمومی و متقابل مردم به یکدیگر می‌شود؛ به گونه‌ای که هم خود را از منظر دیگران قابل اعتماد و هم دیگران را مورد اعتماد می‌دانند (مؤمنند). پویایی روابط و اعتماد اخلاق مندی را در جامعه رونق می‌بخشند. از دیدگاه امام، مردم قبل از آن که حاکم و محکوم باشند، انسان هستند. اخوت مقدم بر حکومت است.

در این دیدگاه، حاکم، خدمتگزار است و مردم، پشتیبان او هستند. امام بلور داشت که با اخوت مشارکت و همیاری بالا رفته و آسیب‌های جامعه کلهش پیدا می‌کند. امام، علما را در تبیین نظری، دولتمردان را در برداشتن موانع و اجرایی‌کردن و مردم را در پیروی از علمای متعهد و آگله و دولتمردان دلسوز، موظف می‌داند. اخوت اسلامی، نه تنها سرمایه اجتماعی تولید می‌کند، بلکه خود سرمایه اجتماعی است. هیئت اخوت در اندیشه امام از آنجا ناشی می‌شود که تفرقه در میان امت اسلامی نتایج ذلت‌بار و جبران‌ناپذیری به بار آورده و می‌آورد. طرح ره‌برداری امام خمینی در امر تحقق «اخوت» در واقع، یک فراگرد چهار مرحله‌ای است:

اولین مرحله ایجاد شرایط لازم برای شکل‌گیری بلورهای مشترک در سطح ملی و فراملی است؛

دومین مرحله توسعه و تعمیق این بلور است؛

سومین مرحله به دو صورت قبل پیمودن است: یکی، از طریق مفهومی سیلسی در سطح نخبگان سیلسی و دولتمردان و دیگری، از طریق حرکت‌های سیلسی و انقلابی از سوی مردم؛ چهارمین مرحله تشکیل «دولت بزرگ اسلامی» با «دولت‌های مستقل» است. امام به اتحاد دولت‌های اسلامی با حفظ حدود و ثغور تأکید می‌کند.

منابع و مأخذ

1. قرآن کریم.
2. احمد بن ابی‌یعقوب، 1362، تاریخ یعقوبی، ج 2، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
3. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری، 1383، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی.
4. امام خمینی، سیدروح‌الله، 1379، صحیفه امام، دوره 21 جلدی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر

- آثار امام خمینی.
5. _____ ، 1372 ، *آداب الصلوة* ، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 6. _____ ، 1373 ، *شرح جهل حدیث (اربعین حدیث)* ، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 7. _____ ، 1377 ، *تنقیح الاصول*، ج 3، تقریر حسین تقوی اشتهاردی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 8. _____ ، 1381 ، *ولایت فقیه* ، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نشر عروج.
 9. _____ ، 1382 ، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 10. برقی، احمد بن محمد بن خالد، 1371، *المحاسن*، یک جلدی، قم، دار الکتب الإسلامیه.
 11. بشیریه، حسین، 1374 ، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
 12. پونز، خوزه و جان اسکات، 1385 ، *ساخت اجتماعی*، ترجمه حسین قاضیان، تهران، نشر نی.
 13. تونکیس، فران و همس لزللی، 1387 ، *اعتماد و سرمایه اجتماعی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 14. جوادی آملی، عبدالله، 1379 ، *تسنیم (تفسیر قرآن کریم)* ، ج 2، قم، مرکز نشر اسراء، چ دوم.
 15. رنی، آستین، 1374 ، *حکومت: آشنایی با علم سیاست*، ترجمه لیلا سازگار، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
 16. ساروخانی، باقر، 1370 ، *دایرة المعارف علوم*

- اجتماعی، تهران، مؤسسه انتشاراتی کیهان.
17. سبحانی، جعفر، 1363، *فروغ ابدیت*، ج 2، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.
18. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، 1412، *فلاحي ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق.
19. طباطبایی، محمدحسین، 1374، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
20. فتحي، يوسف، 1388، «رابطه اخلاق و سیاست با تأکید بر اندیشه امام خمینی»، *فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی*، سال چهاردهم، شماره سوم، پائیز 88.
21. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، 1386، با مقدمه و ضمایم با آخرین تغییرات، قم، نشر جمال.
22. کلمن، جیمز، 1377، *بنیادهای نظریه های جامعه شناسی*، تهران، نشر نی.
23. کلینی رازی، ابی جعفر محمد، بی تا، *اصول کافی*، ترجمه و شرح سیدجواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل البيت علیهم السلام.
24. مجلسی، محمدباقر، 1404 ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوقاء.
25. مطهری، مرتضی، 1374، *مجموعه آثار*، 27 جلدی، تهران، صدرا.
26. مغنیه، محمدجواد، 1424 ه.ق، *تفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
27. Bourdieu, pier, 1985, "the forms of capital", in *handbook of theory and research for the sociology of education*, ed. JG.Richardson, New York, Green wood.
28. Field, john, 2003, "social capital", *published by routledge*, London,

uk.

29. Nadel, S. F. 1951, *Foundations of social Anthypology*, London, cohen and west.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پرتال جامع علوم انساني